

تداوم اعتصاب بزرگ کارگران پروژه‌های به رگم دسیسه‌های سرمایه‌داران

تا امروز ۱۵ تیرماه ۱۴۰۳ بیش از دو هفته از اعتصاب هزاران کارگر پروژه‌های در بیش از ۱۲۰ شرکت عمدتاً نفت و گاز می‌گذرد. این اعتصاب بزرگ به رگم همه تهدیدها و دسیسه‌ها و ترفندهای کارفرمایان جهت در هم شکستن آن هنوز ادامه دارد و هر روز هم تعداد بیشتری از کارگران واحدهای تولیدی دیگر به آن می‌پیوندند.

تاکنون بیش از ۲۰ هزار کارگر در این اعتصاب شرکت کرده‌اند. کارگران اعتصابی طبق روال همیشگی، قبل از مبادرت به اعتصاب، به عنوان آخرین گزینه با تجمع در محل کار خواست‌های خود را به اطلاع سرمایه‌داران مربوطه رساندند و یا با مراجعه به نهادهای حکومتی خواهان برآورده شدن مطالبات بدیهی خود شدند. اما هیچ کدام از این مراجع پاسخ‌گویی خواست‌های کارگران نبودند. همین دلیل هم کارگران به توقف تولید مبادرت کردند، امری که جیب سرمایه‌دار را تحت فشار می‌گذارد.

لیستی از خواست‌های کارگران اعتصابی عبارت است از افزایش دستمزدها، ۱۴ روز کار و ۱۴ روز استراحت، بهبود شرایط خوابگاه‌ها، بهبود شرایط کاری و ایمنی محیط کار. کارگران همچنین خواستار حذف پیمانکاران هستند.

واقعیت این است که دستمزدهای کم و عدم پرداخت به موقع همین دستمزدها که عملاً در زیر خط فقر قرار دارد مشکلات معیشتی بسیاری برای کارگران و خانواده‌هایشان در سراسر ایران در صنایع مختلف به وجود آورده است. کارگران پروژه‌های در نفت و گاز و در پروژه‌های دیگر نیز با این مشکل حیاتی روبه‌رو می‌باشند. وضع به گونه‌ای است که کارگران به دلیل عدم امکان تأمین وسایل زندگی از خطر "فروپاشی خانوادگی" سخن می‌گویند. به خصوص "فروپاشی خانوادگی" کارگرانی را تهدید می‌کند که نه تنها با مزد بسیار اندک خود با مشکلات معیشتی روبه‌رو هستند بلکه مجبور به کار در محلی دور از خانواده خود شده‌اند که حتی امکان حضور فیزیکی مرتب در کنار خانواده هم از آنها گرفته شده است. درست با توجه به این واقعیت دردناک در مورد این کارگران است که یکی از خواسته‌های کارگران اعتصابی ۱۴ روز کار و ۱۴ روز مرخصی می‌باشد تا به این ترتیب بتوانند در زمان مرخصی به مسائل خانواده خود نیز برسند.

برای مقابله با اعتصاب کارگران که به "کمپین ۱۴-۱۴" نیز معروف شده است صاحبان پروژه‌های یاد شده یعنی سرمایه‌دارانی که از قبل رنج و زحمت این کارگران مدام بر ثروت خود می‌افزایند از هیچ کوششی فروگذار نمی‌کنند. آنها از طریق حراست و نیروهای امنیتی رژیم که حفظ منافع سرمایه‌داران وظیفه اصلی و اساسی آنها را تشکیل می‌دهد دست به ترفندهای مختلفی زده‌اند که اخراج کارگران از برجسته‌ترین آنهاست. اما کارگران اعتصابی در مقابل اخراج همکاران‌شان نه تنها کوتاه نیامده‌اند بلکه بر عکس بازگشت به کار بدون قید و شرط همکاران اخراجی خود را به لیست مطالبات خود افزوده‌اند. به این ترتیب صاحبان کار تاکنون نتوانسته‌اند در عزم کارگران در ادامه اعتصاب برای رسیدن به مطالبات‌شان خللی وارد کنند.

این اولین بار نیست که کارگران پروژه‌های برای بهبود شرایط زندگی خود، برای جلوگیری از فروپاشی خانواده‌های خود و جهت ممانعت از مرگ زودرس به خصوص در شرایطی که قادر به پرداخت هزینه دکترا و دارو نیستند دست به اعتصاب زده‌اند. شرایط سخت و غیر قابل تحمل کار و زندگی باعث شده تا این کارگران در سال‌های اخیر به رگم سلطه یک دیکتاتوری لجام گسیخته بارها دست به اعتصاب بزنند. تنها نگاهی به دستمزدهای کارگران به خصوص کارگران شرکت‌های پیمانکاری شرایط دردناک معیشت آنها را آشکار می‌سازد. برای نمونه آنهایی که در بخش خرید خدمات اورژانس اجتماعی کار می‌کنند در رابطه با حقوق و شرایط خود می‌گویند که با وجود "حقوق زیر ۱۵ میلیون تومان" و "اجاره خانه ۸ تا ۱۰ میلیون تومان" در طول مدتی که بیمه رد نمی‌شود "هزینه‌های درمان را باید از جیب خودمان پرداخت کنیم. همچنین به دلیل حقوق پایین و هزینه‌های بالا مجبوریم کار دوم داشته باشیم". آن‌هم در شرایطی که به قول کارگران "حقوق‌ها هر سه ماه یک بار و به صورت نصفه واریز می‌شود و در صورت اعتراض، کارکنان با تهدید اخراج و تبعید روبه‌رو می‌شوند".

این نمونه به تنهایی دلایل اعتصابات کارگری و فریاد کارگران ستم‌دیده علیه ظلم و بیداد را نشان می‌دهد.

همان‌طور که ذکر شد یکی از خواست‌های کارگران اعتصابی حذف پیمانکاران می‌باشد که کارگران از آنها تحت عنوان "شرکت‌های مافیایی پیمانکاری" نام می‌برند. به گفته کارگران اعتصابی در این اعتصاب بزرگ، شرکت‌های پیمانکاری واسطه‌هایی هستند که خود هیچ کاری انجام نمی‌دهند. "نه ابزار و ماشین آلات و جرثقیل دارند و نه پول و سرمایه" اما صرفاً به دلیل داشتن امتیازات دولتی و روابط با بالایی‌ها و ایفای نقش واسطه‌گی بین سرمایه‌داران و کارگران، بخشی از دسترنج کارگران را به جیب می‌زنند.

رشد روزافزون شرکت‌های مافیایی پیمانکاری در اقتصاد ایران یکی از ترفندهای ضد کارگری سرمایه‌داران می‌باشد. آنها به جای بستن قرارداد مستقیم با بخشی از کارگران و پذیرش مسئولیتی که این قرارداد طبق قانون کار برای خودشان ایجاد می‌کند بخشی از کار را به شرکت‌های پیمانکاری واگذار می‌کنند و به این ترتیب شرکت‌های پیمانکاری واسطه بین سرمایه‌دار اصلی با کارگر می‌شوند. بنابراین سرمایه‌دار اصلی از این طریق، هم از پذیرش مسئولیت قرارداد مستقیم با کارگر سر باز می‌زند و هم بین این کارگران و کارگرانی که دارای قرارداد رسمی هستند تفرقه ایجاد می‌کند. قابل ذکر است که سرمایه‌دار اصلی در ازای دریافت رشوه با پارتی‌بازی کار را به پیمانکار واگذار می‌کند. پیمانکاران نیز برای جبران "مافات" تا می‌توانند دستمزد کارگران را کاهش می‌دهند تا از کاری که به عهده گرفته‌اند سود هرچه بیشتری به جیب بزنند. به این ترتیب کارگرانی که با پیمانکار کار می‌کنند و قراردادهای رسمی نیست، نسبت به کارگرانی که دارای قرارداد رسمی می‌باشند مزد بسیار کمتری دریافت می‌کنند. این واقعیت توضیح‌گر دلیل مخالفت کارگران با شرکت‌های پیمانکاری می‌باشد. از طرف دیگر بسیاری از پیمانکاران به قول خود کارگران در "پایان پول و دستمزد و مطالبات کارگر را هم نمی‌دهند". در چنین شرایطی وقتی کارگر به کارفرمای اصلی مراجعه کرده و اعتراض خود را مطرح می‌کند پاسخ سرمایه‌دار اصلی این است که "به ما ارتباطی ندارد، ما پول داده‌ایم بروید از پیمانکار بگیرید".

یک مورد بسیار شایع دیگر در رابطه با به یغما رفتن مزد کارگران به این صورت است که شرکت‌های پیمانکاری بدون آن که با کارگران تسویه حساب کرده باشند پس از مدتی جای‌شان را به شرکت‌های دیگری می‌دهند و کارگران نمی‌توانند از شرکت جدید که مسئولیتی نداشته تقاضای حقوق از دست رفته را بکنند. از این طریق نیز عملاً بخشی از حقوق کارگران به آنها پرداخت نشده و دزدیده می‌شود. این واقعیات برای کارگران حاوی تجربه دردناکی است به همین دلیل هم حذف "شرکت‌های مافیایی پیمانکاری" به خواست مهم کارگران در این اعتصاب بدل کرده است.

اسامی برخی از شرکت‌هایی که کارگران در آنها دست به اعتصاب زده‌اند به این شرح می‌باشند:

سایت یک پتروشیمی بوشهر با ۳۵۰ کارگر (کیلان میکا، کیان نصب و فراسکو) و پتروشیمی دالاهو با ۲۵۰ کارگر، سایت یک پتروپالایش شرکت کیان سازه، شرکت ستاره پارزا و مبین ترک با ۲۵۰ کارگر، فولادکوشان، آزمون فلز و جهادگران با ۴۵۰ کارگر، اکسیر صنعت، آذراب، زلال ایران، ممتاز گستر و عمران ساحل با ۵۳۰ کارگر، کیان سازه و پتروسازه تدبیر رویان با ۱۹۰ کارگر، پالایشگاه ۱۳ با ۶۰ کارگر، پیشگامان سیراف با ۲۰۰ کارگر و ...

صرف‌نظر از این که اعتصاب این کارگران مبارز تا چه حد بتواند سرمایه‌داران را مجبور به تحقق مطالبات آنها بکند اما این امر غیر قابل انکاری است که این اعتصاب در مدتی که جریان دارد توانسته است هم بر روی کارگران اعتصابی و هم بر روی کارگران واحدهای تولیدی دیگر تاثیر گذاشته و با برجستگی هر چه بیشتر قدرت اتحاد و همبستگی و اقدام جمعی را به کارگران نشان بدهد. بر این اساس کارگران برای رسیدن به مطالبات‌شان با پیگیری هر چه بیشتری تلاش می‌کنند. این اعتصاب باعث شده است که کارگران نسبت به ماهیت سرمایه‌داران زالوصفت، آگاهی هرچه فزون‌تری کسب کنند و در همان حال با روشنی باز هم بیشتری متوجه شوند که رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی مدافع حاکمیت سرمایه‌داران علیه کارگران می‌باشد. همان رژیمی که در شرایط عدم پرداخت حقوق کارگران از سوی سرمایه‌داران، کارگران معترض را بازداشت و برای‌شان پرونده‌های امنیتی درست می‌کند. یک نمونه از آگاهی کارگران نسبت به ماهیت ضد کارگری جمهوری اسلامی در این واقعیت خود را آشکار ساخت که چون اعتصاب در زمان برگزاری خیمه‌شببازی انتخاباتی جمهوری اسلامی ادامه داشت کارگران آگاه نفت اعلام کردند که "ما صندوق‌های انتخاباتی محیط‌های کاری خودمان را خالی از رای به مراکز شمارش آرا می‌فرستیم تا بدین ترتیب پیام خود را به عنوان کارگران معترض نفت به وضع موجود اعلام نماییم".

این واقعیت به روشنی برخورداری کارگران از سطح بالای آگاهی را نشان می‌دهد.

اعتصاب چند هزار کارگر شرکت‌های پیمانکاری و تاثیرات مثبت این اعتصاب بار دیگر بر این نظر کمونیست‌ها که اعتصاب را "مکتب جنگ" می‌دانند مهر تایید زد. کمونیست‌ها معتقدند که در این مکتب است که کارگران فرا می‌گیرند که باید برای رسیدن به مطالبات‌شان و از جمله آزادی از اسارت سرمایه‌داران بجنگند؛ و البته یاد می‌گیرند که اعتصاب اگر چه مکتب جنگ است اما خود جنگ نیست و تنها یکی از اشکال مبارزه کارگران برای رسیدن به آزادی می‌باشد. کارگران باید برای رسیدن به آزادی یعنی رهایی از سلطه سرمایه‌داران همه اشکال مبارزه را فرا گرفته و خود را برای انجام آنها آماده سازند.

بی‌جهت نیست که سرمایه‌داران زالوصفت مدعی‌اند که "در پشت هر اعتصاب، ازدهای انقلاب خوابیده است". به‌راستی هم که رهایی کارگران وابسته است به بیداری این "ازدها"، ازدهای انقلاب برای نابودی هیولای جمهوری اسلامی این حامی و مدافع نظم ظالمانه سرمایه‌داری حاکم بر ایران.